

آینه‌های روبه‌رو

کیمیایی و ارجمند در بزرگداشت دوایی عسگریور: سینمای ایران با افتخار پیش می‌رود

■ سومین آیین اهدای جایزه کتاب سال سینمای ایران فرصتی بود که دو مقوله مهم سینما و کتاب مورد توجه قرار گیرد و درباره مسایل مهمی سخن گفته شود. معرفی برگزیدگان و نکوداشت پرویز دوایی از بخش‌های دیگر این مراسم بود. گلی امامی به عنوان رئیس هیات داوران سومین جایزه کتاب سال سینما روی صحنه حاضر شد و بیانیه هیات داور ی را خواند. کمال تبریزی و میرلا زارعی به کتاب «کارگردانان» از مجموعه دانشنامه سینمایی که -گردآوری و تدوین آن را بهزاد رحیمیان از انتشارات روزنه کار عهده‌دار بود جایزه بهترین گردآوری را دادند. جایزه ویژه بخش ترجمه را محمدرضا موینی و غلامرضا موسوی به محمد گذرآبادی دادند. پس از معرفی نامزدهای بخش بهترین ترجمه، محمدمهدی عسگریور مدیرعامل خانه سینما روی صحنه آمد و جایزه این بخش را به فتح محمدی برای ترجمه «پیش درآمدی بر فیلم» اعطا کرد. مدیرعامل خانه سینمای ایران با خرسندی از برگزاری این مراسم با اشاره به مسایلی که اخیرا در سینما مطرح شده و اظهارات برخی درباره بازیگران، گفت: «براساس استنباط شخصی من روندی را که پیش از این فکر می‌کردم خودجوش و پرانگده اعمال می‌شود، الان احساس می‌کنم که سازماندهی شده و هدف آن بدنام کردن خانواده شریف سینما و در نهایت ضرر رساندن به کل سینمای ایران است. اینها ابعاد مختلفی دارد؛ از نسبت‌های ناروایی که به خانواده سینما می‌زنند گرفته تا اظهارنظرهای ناصواب و دور از واقعیتی که در مورد سینما می‌شود. وقتی مجموعه این اتفاقات را با هم بررسی می‌کنیم، احساس می‌کنیم این مسایل هدفمند پیگیری می‌شوند؛اینکه می‌خواهند نشان دهند سینمایی‌ها با گربه باز و سگ باز هستند یا موجب‌اث بی‌ارویی برای جامعه به وجود می‌آورند.»مدیرعامل خانه سینما گفت: «همه ما می‌دانیم اینها ناصواب است و سینمای ایران بعد از انقلاب در حضورهای داخلی و خارجی در صف اول معرفی ایران اسلامی بوده است؛ از برخی هنرمندان گرفته تا پارهای از مدیرانی که در این زمینه از تخفیف سینمای ایران اظهارنظر کرده‌اند و تلاش می‌کنند تا سینما را آن‌گونه که نیست به جامعه معرفی کنند، بداندند که با بیان این اظهارات نادرست به نتیجه نخواهند رسید و سینمای ایران چون گذشته سرفراز به مسیر خود ادامه خواهد داد.»بخش نکوداشت پرویز دوایی با پخش کلیپی درباره او آغاز شد. دوایی در بخشی از سخنانش



درباره نوشته‌هایش گفت: «روی این نوشته‌ها نمی‌توانم اسم سینمایی بگذارم... اینها نوشته‌های من هستند... سینما برای من از خدایه که در آن زندگی می‌کردم، دوستانم و حرفه‌ایی که با آنان می‌زدم، جدا نیست...»پس از پخش این کلیپ مسعود کیمیایی به دعوت ملکی روی صحنه آمد و در مورد دوایی گفت: «انقدر رفاقت وسعت دارد که وقتی پرویز را در این فیلم دیدم فکر نمی‌کردم این همانی است که از او آموختم. من با او زندگی کردم و از او زندگی آموختم؛ سینما که جای خودش را دارد عمیق نگاهش اینجاست... خالصانه می‌گویم پرویز برگرد. برگرد این آخری را با هم باشیم. ما هم خیلی بهانه برای قهر داشتیم، شاید باید از پرویز یاد می‌گرفتم. خالصانه و عاشقانه دوستش دارم و امیدوارم همین حس در دل سینما هم وجود داشته باشد.»حمیدرضا ارجمند به نمایندگی از پرویز دوایی روی صحنه آمد و تندیس قلم زرین افتخار را از دست‌ان سینما به کیمیایی در یافت کرد و گفت: «دوایی گرچه رفت، اما جایش سبز ماند و روزبه‌روز پرنرگتر شد. او در غربت پراگ قصه‌های حیرت انگیزی نوشت... او نوشته‌های عاشقانه و غریبه‌انای دارد. وقتی دوایی می‌نوشت انگار برای ما فیلم در آپارات می‌گذاشت.» مجید بزرگز و هوشنگ گلمکانی این کلیپ را به سفارش خانه سینما در مورد دوایی که در پراگ ساکن است، تهیه کرده بودند.ر ادامه ایرج تقی‌پور و محمدرضا اصلائی جایزه بهترین نشر را به مدیر نشر چشمه، حسن کیاپایان اهدا کردند.کیاپایان در سخنانی با تاکید بر سخنان عسگریور اظهار داشت: «سینما و کتاب از هم جدا نیستند و هیچ‌گاه در تقابل با هم قرار نمی‌گیرند. ما از سال‌ها قبل با مشکلاتی که امروز شما در سینما با آن مواجه هستید، روبه‌رو بودیم و معتقدم این افراد می‌آیند و می‌روند و این هنرمندان هستند که در هر دوره‌ای باقی می‌مانند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند.»مراسم با اعطای جایزه بهترین تالیف به شایه‌بور شهنازی برای «تنویری‌های فیلمنامه در سینمای داستانی» از سوی گلی امامی و احمد مسجدجامعی به بخش پایانی رسید.داوران جشن گلی امامی، رخسار قائم مقامی، جمال امید، شهاب‌الدین عادل، امید روحانی و رضا دروستکار معرفی شدند.



محمود دولت‌آبادی نویسنده بزرگی است که سال‌های گذشته به دلیل تب فراگیر گلشنری در ایران ارزش کارش در میان روشنفکران نادیده گرفته شده است. انگار که ادبیات باید همیشه زیر سیطره گفتمان مسلطی باشد و یک نوع ادبیات مد روز باشد و ادبیاتی از نوع دیگر بی‌ارزش تلقی شود. ارزش کار گلشنری به جای خود، گلشنری با نوشته‌ها و کارگاه‌هایش نقشی بزرگ در ادبیات ایران داشته و در این شکی نیست، اما این دلیل نمی‌شود که نویسندگان دیگری با سلیقه‌های دیگر نادیده گرفته شوند. شاید کسانی با اشاره به گفت‌وگوها و عکس‌های دولت‌آبادی در مطبوعات مدعی‌ان نخستین این یادداشت را زیر سوال ببرند، اما دولت‌آبادی در سالیان اخیر بیشتر به دلیل موضع‌گیری‌ها ونقش اجتماعی‌اش در مطبوعات حضور داشته است. کافی است به این گفت‌وگوها مراجعه کنید تا دریابید که مصاحبه‌کنندگان حتی زحمت خواندن آثارش را هم به خود نداده‌اند و پرسش‌ها اغلب ربطی به آثارش ندارند. به بیان دیگر او در این سال‌ها کمتر با آثار داستانی‌اش مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که در تمام این سال‌ها آثار او پشت سر هم بازچاپ شده‌اند و مردم از داستان‌ها و رمان‌های



یک «هنرمند» دارای خصوصیات و شاخصه‌هایی است که اگر همه این شاخصه‌ها را داشته باشد، قابل احترام و تکریم شدن است. گرچه ممکن است با بارزه و کار هنرمند یا نویسندهای موافق نباشیم یا مورد پسند ما نباشد، اما در عین حال نمی‌توانیم این خصوصیات و به تبع آن جایگاه‌او را کتمان کنیم.محمود دولت‌آبادی چنین خصوصیاتی دارد؛ خصوصیاتی که ایشان را شاخص و متمایز می‌کند. یکی تجربه‌های متعدد و بسیار این نویسنده است که از زندگی در روستای خودش آغاز می‌شود بعد به تئاتر می‌رود، زندان و فعالیت‌های سیاسی‌اش و سفرهای متعدددش به خارج از کشور که هر کدام به این مرد تجربه عمیقی داده است. دیگر فروتنی و تواضع بسیار دولت‌آبادی است که کمتر در کسی می‌بینیم، نکته شاخص دیگری که در او هست و باز کمتر در کسی می‌بینیم، علاقه و اشتیاق ایشان به دانستن و تجربه کردن است.در مورد همین ادبیات جدید آلمان که من ترجمه می‌کنم همواره دولت‌آبادی از مشوقان من

شرق: در پی انتشار مطلبی که در مورد وضعیت مجید بهرامی منتشرشده بود، در تاریخ هشتم آبان، معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جوابیه‌ای به روزنامه «شرق» ارسال کرد که متن کامل آن به شرح زیر است:۱- معاونت امور هنری تاکنون از هیچ حمایتی در این خصوص دریغ نکرده است و با وجود همه مشکلات مالی و اعتباری و محدودیت‌های قانونی تاکنون مبلغ ۹۳میلیون تومان کمک بلاعوض به خانواده مجید بهرامی پرداخت شده است.۲- با توجه به بحث محدودیت‌های اعتباری و قانونی معاونت امور هنری اقدام به برگزاری طرح خیریه‌ی حمایت از هنرمندان سرطانی کرد که مبلغ حدود ۲۰۰ میلیون تومان از برگزاری این طرح خیریه جمع‌آوری شد. طی مکاتبه با بانک ملی ایران، شعبه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست تبدیل ریال به یورو با قیمت دولتی شده است.



شیشه عکس‌هایی از استاد کمال‌الملک که او را در میان شاگردان، میوه‌اتان و مستخدمان مدرسه به تصویر کشیده است، در خانه یکی از بازماندگان مدرسه صنایع مستظرفه کشف شد. گفته می‌شود که این شیشه‌های عکس بسیار سالم بوده و تنها یکی از این شیشه عکس‌ها تاکنون به نمایش در آمده است.

درباره محمود دولت‌آبادی

نویسنده مهاجرت‌های ما

او استقبال کرده‌اند. درباره اهمیت رمان‌ها و داستان‌های دولت‌آبادی از زاویه‌های مختلفی می‌توان بحث کرد، اما به نظرم او یک ویژگی شاخص دارد که در کار هیچ یک از نویسندگان ایرانی دیده نمی‌شود. او شاید تنها نویسنده‌ای باشد که تاریخ زندگی مردم در ایران معاصر را در مجموعه رمان‌هایش به تصویر کشیده است. تصور ساده‌انگارانه از آثار او، همانی است که در برخی از نقدها آمده است و در آن جمله معروف گلشنری و «عکس‌های خواندن رمان‌های اوست، اما اگر دقیق‌تر شویم، می‌بینیم او سرگذشت انسان معاصر ایرانی را با تکیه بر کار گلشنری به جای خود، گلشنری با نوشته‌ها و کارگاه‌هایش نقشی بزرگ در ادبیات ایران داشته و در این شکی نیست، اما این دلیل نمی‌شود که نویسندگان دیگری با سلیقه‌های دیگر نادیده گرفته شوند. شاید کسانی با اشاره به گفت‌وگوها و عکس‌های دولت‌آبادی در مطبوعات مدعی‌ان نخستین این یادداشت را زیر سوال ببرند، اما دولت‌آبادی در سالیان اخیر بیشتر به دلیل موضع‌گیری‌ها ونقش اجتماعی‌اش در مطبوعات حضور داشته است. کافی است به این گفت‌وگوها مراجعه کنید تا دریابید که مصاحبه‌کنندگان حتی زحمت خواندن آثارش را هم به خود نداده‌اند و پرسش‌ها اغلب ربطی به آثارش ندارند. به بیان دیگر او در این سال‌ها کمتر با آثار داستانی‌اش مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که در تمام این سال‌ها آثار او پشت سر هم بازچاپ شده‌اند و مردم از داستان‌ها و رمان‌های



بوده است و می‌دانم که ایشان ادبیات جدید آلمان را خوانده و حتی دوره‌ای در کلاسی به طور مشخص درباره بودیت هرمان و داستان‌هایش کار کرده است. به همین دلیل من ترجمه «گذران روز» را به محمود دولت‌آبادی تقدیم کردم.پیش از چاپ کتاب هم دولت‌آبادی داستان‌ها را خوانند و ویرایش کرده‌اند. او به مشکل‌تر شدن کتب‌کاوی‌اش منجر به این شد که در اوج شهرت‌ش در ایران و جهان، خط کاری و سبک داستان‌نویسی‌اش را تغییر دهد. دوره‌ای که با کلیدر و در سبک رئالیسم آغاز شد و حالا با سلوک سبک رمان‌نویسی‌اش کاملا تغییر می‌کند و البته همین رمان کاندیدای بوکرمن؛ «کلنل» نیز به سبک جدید اوست.این تجربه‌ورزی است که او را بر آن داشته تا در چنین سن و سال و تجربه‌ای تصمیم به تغییر سبک بگیرد و نویسندگی‌اش را به فاز دیگری ببرد. از نسوی دیگر دولت‌آبادی اولین نویسنده معاصر ماست که خارجی‌ها پس از انقلاب او را کشف کرده و شناختند.اولین بار بسیاری از کشورهای آلمانی زبان سراغ او آمدند و تا جایی که من به نویسندش‌های آلمانی‌زبان سروکار دارم، هر نویسنده‌ای که به ایران می‌آید تا درباره ادبیات ایران مطالعه کند حتما آثار محمود دولت‌آبادی را

ادب‌و هنر



محمود دولت‌آبادی با رمان «کلنل» به فهرست نامزدهای اولیه جایزه «MAN» معروف به «بوکر آسیا» راه یافت. در فهرست ۱۲ نفره نامزدهای جایزه بوکر آسیا نویسندگانی از کشورهای ایران، ژاپن، چین، هند، پاکستان، کره جنوبی و بنگلادش در مرحله نخست با به اصطلاح «لانگ لیست» قرار دارند. پنج نویسنده از این ۱۲ نفر هندی هستند. رمان «کلنل» محمود دولت‌آبادی، نیز جزو برگزیدگان هیات داوران است. هاروکی موراکامی، نویسنده سرشناس ژاپنی با کتب «8Q84» دیگر نامزدشماره‌آشنا خوانندگان ایرانی است. جایزه بوکر آسیایی که در سال ۲۰۰۷ راه‌اندازی شده، آثار ادبی نویسندگان کشورهای آسیایی را مورد توجه قرار می‌دهد. در این دوره از میان رمان‌های بررسی شده ۱۲ کتاب زیر به عنوان نامزدهای اولیه معرفی شدند: «شاهین سرگردان» نوشته جمیل احمد، «مسلمان خوب» اثر تهیمه‌ام، «تولدی دیگر» به قلم جهنوا یی بارونا، «کلنل» اثر محمود دولت‌آبادی، «تجمع پنهانی درمی که اهمیت می‌دهند» نوشته راهول باناجاری، «رود دود» اثر آمیتا گو، «8Q84» نوشته هاروکی موراکامی، «زمین ناشده» اثر انوارا روی، «دنبال مامان بگردید» رملی از کیوت - سوک شین، «دره نقاب‌ها» نوشته تارون جی. تچبال، «روپای روستای دینگ»



خوانده است.آخرین مورد هم چهار نویسنده‌ای بودند که از کشورهای آلمانی‌زبان به ایران آمده بودند. دولت‌آبادی آنها را به خانه‌اش دعوت کرد. وقتی با سیمن، نویسنده سوییسی به خانه او می‌رفتیم، سیمن بسیار شوق داشت و می‌گفت کاش در کشورهای اروپایی هم نویسنده‌های مطرح و بزرگ‌تر نویسنده‌های دیگر را می‌پذیرفتند و تا می‌شد با آنها رفت‌وآمد و تبادل‌نظر کرد و از آنها یاد گرفت و امکان چنین تجربه‌ای را داشتیم.در کشورهای آلمانی‌زبان وقتی کلنل منتشر شد، نقدهای بسیار خوبی بر این کتاب نوشته شد، بسیاری از نویسندگان و منتقدان مطرح آلمانی از کتاب نوشتند و اقبال بسیاری در جامعه ادبی آلمان به‌دست آورد.رمان «کلنل» به زعم من مربوط به یک دوره دوم نویسندگی محمود دولت‌آبادی - دوره بعد از «سلوک» - است؛ دوره‌ای که دولت‌آبادی سبکش را تغییر داد.کتاب نوعی نگاه به گذشته است؛ نگاهی تلخ و آزرده به یک دوره تاریخی. در واقع نگاهی زخم‌خورده به یک جریان تاریخی که شاید به نوعی زندگی و روزگار خودش نیز بوده است.به اعتقاد بسیاری «کلنل» در میان آثار محمود دولت‌آبادی کتاب بسیار مهمی است و جایگاه مهم و موثری دارد.جایزه بوکرمن آسیا نیز جایزه مطرح و مهمی



وزارت ارشاد درباره خبر «شرق»:
منتظر مجوز بانک مرکزی و ملی برای خرید ارز دولتی هستیم
روز چهارشنبه هفته گذشته مدارک پزشکی از خانواده ایشان دریافت شد و برای اخذ مجوز از بانک مرکزی موضوع از سوی بانک ملی ایران در حال پیگیری است.۳- نامه درخواست موضوع مجید بهرامی تا این لحظه هیچ‌گونه محدودیت ارتباط با مشاور اجرایی معاونت امور هنری وجود نداشته است و سابقه گفت‌وگوی ایشان در رابطه با این موضوع با رسانه‌ها موجود است. در ضمن با توجه به اینکه رسانه‌ها تنها راه ارتباطی جهت دریافت کمک‌های مردمی بوده، مشاور اجرایی معاونت امور هنری از هر گونه گفت‌وگوی در این رابطه استقبال می‌کند.۴- بهتر است در مورد این موضوع خاص به جای طرح مسایل حاشیه‌ای و ایجاد یأس و ناامیدی و همچنین تشویش افخان عمومی به فکر تأمین هزینه‌های باقیمانده جهت درمان مجید بهرامی باشیم.۵- روزنامه «شرق» به جای استفاده از تیتروهای

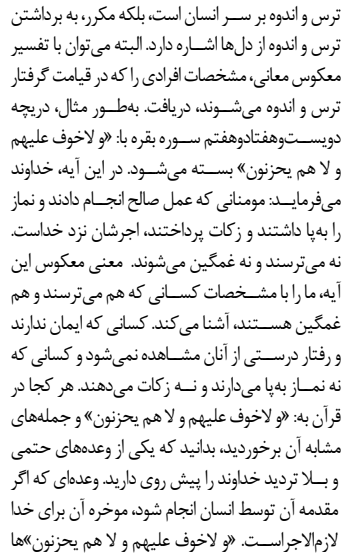


کلبه کوچک من

مقوله ترس (۷۹)

اردشیر خرمکوب

■ از همه اینها که بگذریم، ترس از درندگان و زردان راه و فقر و بلایای طبیعی نیز دست به گریبان بشر بوده است. یکی از علت‌های رواج فیلم‌های ترسناک در این عصر، رجعت صنعتی به وادی ترس است که به‌صورت طبیعی در اطراف ما موجود ندارد یا هست اما گسترده و فراگیر نیست. اگر مردمان امروز و فردا، همه هم خود را به کار گیرند و ترس را از همه زوایای زندگی خویش دور کنند، ترسی بزرگ و نافذ که دامنه نفوذ آن همه سلول‌های حسی آسان است، چشم به راه اوست. ترسی گسترده و همگانی که حتی مادران پرعاطفه، از تماشای آن، کودکان خود را وامی‌نهند و هراسان پای به فرار می‌گذارند. ترسی که انسان در دنیا تجربه می‌کند، رطوبتی از اقیانوس ترس قیامت است. ترس انسان در قیامت، نه از تماشای چهره‌های مخوف فیلم‌های ترسناک است و نه متاثر از حمله حیوانات وحشی. این ترس، نه به جسم، که به روح بشر جنگ می‌برد. روحی که، در آن آشوب بزرگ، همه مناسبات مقاوم هستی را درهم کوبیده و در بعدی تعریف نشده می‌بیند. در قرآن، هر جا از ترس اسم برده شده، شانه به شانه، او، عمدتا از اندوه نیز یاد شده است. شاید به این دلیل که این دو هم‌زاد هم هستند. اندوه،هم‌نشین و همراه ترس است. تلخی خزندهای است که از دل ترس بیرون می‌خرد و تا مدت‌ها، روان فرد مبتلای را می‌خراشد. اگر ترس، ناگهانی است و عمر کوتاهی دارد، ریسمان اندوه، به عمق چاه وجود فرد، ولی می‌اندازد، گرایش عمومی خداوند در قرآن، نه در رواج و بارش ترس و اندوه بر سر انسان است، بلکه مکرر، به برداشتن ترس و اندوه از دل اشاره دارد. البته می‌توان با تفسیر ممکنوس معانی، مشخصات افرادی را که در قیامت گرفتار ترس و اندوه می‌شوند، دریافت. به‌طور مثال، دریچه دویست‌و هفتادو هفتم سوره بقره یا: «و لاخوف علیهم و لا هم یحزنون» بسته می‌شود. در این آیه، خداوند می‌فرماید: مومنانی که عمل صالح انجام دادند و نماز را بها داشتند و زکات پرداختند، اجرشان نزد خداست، نه می‌ترسند و نه غمگین می‌شوند. معنی معکوس این آیه، ما را با مشخصات کسانی که هم می‌ترسند و هم غمگین هستند، آشنا می‌کند. کسانی که ایمان ندارند و رفتار درستی از آنان مشاهده نمی‌شود و کسانی که نه نماز به‌پا می‌دارند و نه زکات می‌دهند. هر کجا در قرآن به، «و لاخوف علیهم و لا هم یحزنون» و جمله‌های مشابه آن برخوردید، بدانید که یکی از وعده‌های حتمی و بلا تردید خداوند را پیش روی دارید. وعده‌ای که اگر مقدمه آن توسط انسان انجام شود، موخره آن برای خدا لازم‌الاجراست. «و لاخوف علیهم و لا هم یحزنون»-ها معمولاً در انتهای آیه‌ها آمده شده‌اند. این آیه‌ها، هر کدام معامله‌هایی هستند که یک سمتش به خدا و سمتش به دیگریش به خدا مربوط است. آنچه که به خدا مربوط است، حداقلش همین برداشتن ترس و اندوه از دل انسان است. چه در دنیا و چه در آخرت. سهم انسان در این معادله، رویه‌ای است که باید در زندگی اتخاذ کند تا به یک چنین نعمتی از وعده الهی دست یابد. کسانی که این وعده الهی نصیبشان می‌شود، از شأن تقرب و نزدیکی به خدا نیز برخوردارند. در آیه شصت و دوم سوره یونس، خداوند این وعده را به دوستان خود اختصاص داده است و در اشاره به همین خوف و ترس، در آیه سیام سوره فصلت و در توصیفی حیرت‌انگیز، به وضع و حال کسانی می‌پردازد که می‌گویند، پروردگار ما الله‌ تعالی و بر این باور استقامت می‌ورزند. خداوند در همین آیه، وعده برداشتن ترس و اندوه را با فرود فرشتگان بر دل انسان‌ها و از زبان همان فرشتگان نوید می‌دهد.



است و همین که یک کتاب و نویسنده از ایران کاندید شده است، بسیار مساله قابل اعتنا و مهمی است، چراکه پیش از این هند، چین، ژاپن و پاکستان نامزدهای اصلی و اعضای شش حلقه نامزدهای داوران جایزه بوکرمن آسیا بودند و با نامزد شدن «کلنل» دولت‌آبادی - یک کتاب ایرانی - این حلقه شکسته شد.

ادامه دارد



هائیه توسلی به گروه بازیگران نمایش «کمی تاب بخوریم» به کارگردانی آرنود دشت‌آزای پیوست. هائیه توسلی در کنار بازیگرانی همچون رویا تیموریان، سینا رازانی، طناز طباطبائی، امیرحسین رستمی و... در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازد. با اجرای این نمایش در پایان آبان ماه تالار «حافظ» کارخود را به‌طور رسمی آغاز می‌کند.

نخستین جشنواره ملی عکس ایران با موضوع طبیعت زیبای ایران به همت این انجمن از ۲۹ آبان تا پنج آذرماه در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.



شرق: مجید بهرامی می‌گوید تنها ۱۰ روز برای پیوند مغز استخوان زمان دارد. او در حالی که از زیر دستگاه تزریق داروی شیمی‌درمانی از بیمارستان آلمان با شبکه چهارم سیما صحبت می‌کرد، گفت برای رسیدن به این عمل دو مرحله بسیار سخت شیمی‌درمانی را پشت سر گذاشته؛ دو مرحله شیمی‌درمانی شتگین و سخت، اما هنوز هزینه مورد نظر جهت پیوند به بیمارستان مورد نظر پرداخت نشده است. اگر این پیوند در این زمان برای او انجام نشود همه تلاش‌هایی که در این مدت برای بهبود او انجام شده است ممکن است به هدر برود. بهرامی گفت: «تقریبا دو ماهو نیم است که به کشور آلمان آمدم و تا به حال تمام مقدمات پیوند مغز استخوان را انجام داده‌ام. سستگین‌ترین بخش هزینه درمان هزینه پیوند است. شیمی‌درمانی‌ها را انجام داده‌ام و حال که بدنام آمده پیوند است و دو هفته از ویزای من باقی مانده، ولی پول مورد نیاز پرداخت نشده است. تا دو هفته دیگر پیوند باید انجام شود و نباید فاصله بیفتد زیرا بعد از آخرین شیمی‌درمانی تا دو هفته بدن از سلول‌های بیمار در امان است»

عزت‌الله انتظامی اقرار امیدواری کرده است تماشاگران فیلم راه آبی ابریشم را ببینند و

کمی روی آن فکر کنند. این بازیگر سینما می‌گوید با اینکه نقش کوتاهی در این فیلم بازی کرده است اما خوشحال است که کاری برای بزرگ نیا انجام داده است چرا که اندازه نقش مهم نیست.